جشن ميلاد و سيره معصومان در شادي

 محمد اکبري

جشن ميلا‌د ، مظهر بزرگ‌ترين و پرشورترين شادي شيعيان است و اين نوشتار مباحثي است كوتاه در جشن ميلا‌د و تاريخچه آن و آداب شادي‌ها از ديدگاه معصومان.

‌نيمه‌ شعبان، جشن‌ ميلاد امام‌ زمان(ع)، جشن‌ زنده‌ شدن‌ آرزوها و اميدها، جشن‌ آمادگي‌ براي‌ شركت‌ در نهضتي‌ بزرگ‌ و انساني‌ است.

جشن‌ ميلاد جشني‌ توا‌م‌ با آگاهي، حركتي‌ مستمر و سازنده‌ و زندگي‌ بخش، و ميثاق‌ و هم‌سويي‌ با امام‌ عصر(ع) است.

اين‌ روز، از شيرين‌ترين، خجسته‌ترين‌ و بزرگ‌ترين‌ اعياد اسلامي‌ است. امام‌ خميني(ره) فرمود:

<عيد ميلاد حضرت‌ مهدي‌ و بزرگترين‌ عيد براي‌ مسلمين‌ و بزرگ‌ترين‌ عيد براي‌ بشر است.>1

و به‌ فرمودهِ‌ مقام‌ معظم‌ رهبري:

<روز ولادت‌ حضرت‌ مهدي(ع)، يك‌ عيد حقيقي‌ براي‌ همهِ‌ افراد بشر و كساني‌ است‌ كه‌ سختي‌ كشيد اند يا رنجي‌ برده‌اند يا اشكي‌ ريخته‌اند و انتظاري‌ كشيده‌اند.>

روز ولادت‌ حضرت‌ مهدي(ع)، عيد همه‌ انسان‌هاي‌ پاك‌ و آزادهِ‌ عالم‌ است. با مطالعه‌ و كاوش‌ در متون‌ و فرهنگ‌هاي‌ گذشته‌ مي‌توان‌ به‌ اين‌ نتيجه‌ رسيد كه‌ در طول‌ تاريخ، از زمان‌ غيبت‌ صغري‌ جشن‌هاي‌ ميلاد برگزار مي‌شد و مردم‌ محيط‌ كار و خانهِ‌ خود را با چراغ‌ تزيين‌ مي‌كردند.

اميران‌ و پادشاهان‌ براي‌ اين‌ كه‌ به‌ باورهاي‌ مردم‌ احترام‌ بگذارند و به‌ اين‌ وسيله‌ در ميان‌ توده‌هاي‌ مردم‌ براي‌ خودشان‌ جايي‌ باز كنند، در آيين‌ شادماني‌ آنان‌ سهيم‌ مي‌شدند، به‌ نيازمندان‌ هديه‌ مي‌دادند، از خراج‌ و ماليات‌ صرف‌ نظر مي‌كردند و سهميه‌ خراج‌ آنان‌ را با برات‌ رسيد، مي‌بخشيدند. و چون‌ پرداخت‌ جايزه‌هاي‌ نقدي‌ به‌ عامّهِ‌ مردم‌ امكان‌پذير نبود، براي‌ روز و تاريخ‌ آينده‌ و هنگام‌ برداشت‌ محصول‌ برات‌ و چك‌ به‌ آن‌ها مي‌پرداختند. از اين‌ رو اين‌ شب، به‌ شب‌ برات‌ معروف‌ گرديد.2 چه‌ بسا مجرماني‌ كه‌ در زندان‌ها به‌ سر مي‌بردند و اميد داشتند كه‌ شب‌ برات‌ برسد و حكم‌ آزادي‌ آنان‌ صادر شود. مستمندان‌ نيز، چشم‌ به‌ خزانه‌ و بيت‌ المال‌ حاكم‌ داشتند تا به‌ اين‌ مناسبت‌ به‌ نوايي‌ برسند.

ابوريحان‌ بيروني‌ مي‌گويد:3

شب‌ پانزدهم‌ از ماه‌ شعبان‌ را شب‌ برات‌ خوانند.

براي‌ چراغاني‌ و مراسم‌ شادي، از موم‌ شمع‌هايي‌ بزرگ، قطور و با دوام‌ مي‌ساختند و فتيله‌ آن‌ها را با مواد رنگي‌ مي‌آغشتند كه‌ نور را رنگين‌ سازد. اين‌ كار بيش‌تر جنبه‌ تزييني‌ و تشريفاتي‌ داشت‌ و اين‌ نوع‌ شمع‌ را، <شمع‌ براتي> مي‌گفتند. اين‌ شمع‌ كه‌ عموماً در چراغاني‌ شب‌ ميلاد مورد استفاده‌ قرار مي‌گرفت، بسيار با دوام‌ بود و از آغاز تا پايان‌ شب، نور افشاني‌ مي‌كرد.4

‌مراسم‌ ولادت‌ حضرت‌ مهدي‌ (عج)

تاريخ‌ نگاران‌ دربارهِ‌ مراسم‌ ولادت‌ آن‌ حضرت‌ به‌ وسيله‌ امام‌ عسگري(ع) سخن‌ به‌ درازا گفته‌اند.

آن‌ حضرت‌ بعد از ولادت‌ با بركت‌ فرزند گراميش‌ دستور دادند كه‌ مقدار زيادي‌ نان‌ و گوشت‌ بخرند و ميان‌ فقيران‌ شهر سامرا تقسيم‌ كنند.5

و نيز براي‌ او هفتاد قوچ‌ عقيقه‌ كرد.6 و چهار تا از آن‌ها را براي‌ يكي‌ از اصحاب‌ خود به‌ نام‌ ابراهيم‌ فرستاد و نامه‌اي‌ با درون‌ مايهِ‌ زير به‌ او نوشت:

بسم‌ الله‌ الرحمن‌ الرحيم. اين‌ گوسفندها از فرزندم‌ محمد مهدي(عج) است. خودت‌ از آن‌ها بخور و هر كس‌ از شيعيان‌ ما را ديدي، به‌ او هم‌ بخوران.7

شيعيان‌ وقتي‌ از ولادت‌ آن‌ حضرت‌ با خبر شدند، سرتاسر وجودشان‌ را به‌ سبب‌ ولادت‌ آن‌ حضرت‌ سرور و شادي‌ فرا گرفت‌ و دسته‌ دسته‌ خدمت‌ امام‌ عسگري‌ مي‌رسيدند و ولادت‌ آن‌ بزرگوار را به‌ ايشان‌ تبريك‌ مي‌گفتند. شاعران‌ شعرهاي‌ بسياري‌ در اين‌ باره‌ مي‌سرودند و بدين‌ وسيله، سرور و خوشحالي‌ خود را آشكار مي‌كردند.8

اين روز بزرگ مظهر نشاط و شادي مسلمانان به ويژه شيعيان جهان است و از آنجا كه اين شادي براي اهلبيت و شيعه بايد فرحش هم‌سو با فرح و شادي آنان باشد، در اين جا دربارهِ اصل شادي و آداب آن و نيز، سيرهِ معصومان در شادي‌ها، سخن مي‌گوييم.

‌ضرورت‌ شادي‌

يكي‌ از نيازهاي‌ اساسي‌ و فطري‌ انسان‌ شادي‌ و نشاط‌ است.

شادي‌ ضرورتي‌ است‌ كه‌ به‌ زندگي‌ معنا مي‌دهد. شادي‌ عاملي‌ است‌ براي‌ نشاط‌ روحي‌ و سلامتي‌ و افزايش‌ توانايي. شادي‌ براي‌ يك‌ انسان‌ سالم‌ يك‌ قاعده‌ است. در پرتو شادي‌ است‌ كه‌ انسان‌ مي‌تواند خويش‌ را بسازد، قله‌هاي‌ سلوك‌ را چالاكانه‌ بپيمايد و در اجتماع‌ نقش‌ سازنده‌اي‌ داشته‌ باشد. هر ملتي‌ با توجه‌ به‌ ديدگاها و باورهايش، به‌ گونه‌اي‌ متفاوت، شادي‌ مي‌كند. اسلام‌ كه‌ دين‌ فطري‌ است‌ و به‌ تمام‌ نيازهاي‌ طبيعي‌ و فطري‌ انسان‌ توجه‌ دارد، پيروان‌ خود را به‌ شادي‌هاي‌ مثبت‌ و سازنده‌ دعوت‌ كرده‌ است؛ شادي‌هايي‌ كه‌ در مسير كمال‌ و سعادت‌ انسان‌ باشد، همچون: شادي‌ براي‌ اطاعت‌ خداوند9، انجام‌ كارهاي‌ خير10، كسب‌ موفقيت، احياي‌ ارزش‌ها11، تحول‌ معنوي12 و خدمت‌ رساني.

مردي‌ خدمت‌ امام‌ جواد(ع) رسيد، در حالي‌ كه‌ شاد و مسرور بود. حضرت‌ فرمود: چيست‌ كه‌ تو را شاد مي‌بينم؟ عرض‌ كرد: يابن‌ رسول‌ الله‌ از پدر بزرگوارت‌ شنيدم‌ كه‌ مي‌فرمود: <بهترين‌ روزي‌ كه‌ سزاوار است‌ بندهِ‌ خدا در آن‌ روز شاد باشد، روزي‌ است‌ كه‌ توفيق‌ خدمت‌ و دستگيري‌ از برادران‌ مؤ‌من‌ نصيب‌ او شود و امروز من‌ موّفق‌ شدم، به‌ ده‌ نفر از برادران‌ فقير كه‌ از فلان‌ شهر نزد من‌ آمده‌ بودند، بخشش‌ نمايم؛ به‌ همين‌ جهت‌ خوشحالم.

حضرت‌ فرمود:

<به‌ جان‌ خودم‌ سوگند! تو شايستهِ‌ اين‌ شادي‌ هستي، اگر آن‌ انفاق‌ و بخشش‌ خود را به‌ وسيلهِ‌ منّت‌ نابود نكرده‌ باشي.13

و در مقابل، برخي‌ از شادي‌ها را نهي‌ كرده‌ است. همچون‌ شادي‌هاي‌ تمسخرآميز14، شادي‌ به‌ زشتي‌ها15، شادي‌ بر لغزش‌هاي‌ ديگران16، شادي‌ به‌ گناه17، شادي‌ در مصيبت‌ مظلومان18 و شادي‌هاي‌ مستانه.19

قرآن‌ ضمن‌ بيان‌ عذاب‌هاي‌ دوزخيان‌ مي‌فرمايد:

<ذلكم‌ بما كنتم‌ تفرحون‌ في‌ الارض‌ بغير الحقّ و بما كنتم‌ تمرحون>20.

اين‌ به‌ خاطر آن‌ است‌ كه‌ به‌ ناحق‌ در زمين‌ شادي‌ مي‌كرديد و از روي‌ غرور و مستي‌ به‌ خوشحالي‌ مي‌پرداختيد.

جالب‌ اين‌ كه‌ در آخر آيه‌ مي‌فرمايد: <بما كنتم‌ تمرحون> كه‌ به‌ معناي‌ شادي‌ به‌ خاطر مطالب‌ بي‌اساس‌ يا شدّت‌ فرح‌ آمده‌ است‌ و شدتّ فرح‌ معمولاً از گناه‌ و فساد سر در مي‌آورد.21

اين‌ گونه‌ شادي‌ها پيامدهايي‌ را به‌ دنبال‌ دارد كه‌ در نهايت، ندامت‌ و حسرت‌ را در پي‌ دارد. در اين‌جا به‌ چند نمونه‌ از آن‌ها اشاره‌ مي‌شود.

الف: جنگ‌ و دعوا

شادي‌هاي‌ مستانه‌ و افراطي، گاهي‌ موجب‌ تنش‌ و برخودر با ديگران‌ مي‌شود، در نتيجه‌ به‌ جنگ‌ و دعوا كشيده‌ مي‌شود. حضرت‌ علي‌ فرمود:

<رُبّ طَرَبَ يَعُودُ بِالحَرب>22؛

چه‌ بسا خوشي‌ و شادي‌ كه‌ به‌ جنگ‌ و دعوا منتهي‌ مي‌شود؛

زيرا معمولاً در شادي‌هاي‌ افراطي‌ و ناروا حركاتي‌ انجام‌ مي‌شود كه‌ آزادي، آسايش‌ و امنيت‌ ديگران‌ را به‌ خطر مي‌اندازد. مانند: شراب‌ خواري،پخش‌ موسيقي‌ و نوارهاي‌ مبتذل‌ در بعضي‌ از مجالس‌ عروسي، جشن‌ تولد و شب‌ نشيني‌هاو...

ب : حادثه‌ها و پيشامدهاي‌ ناگوار

از آن‌جا كه‌ شادي‌هاي‌ بيش‌ از حد با احساسات‌ منفي‌ همراه‌ است‌ و امكان‌ بروز هر گونه‌ حادثه‌اي‌ وجود دارد، مانند: تصادفات‌ رانندگي، موتور سواراني‌ كه‌ با نهايت‌ سرعت‌ و غرور پشت‌ سر كاروان‌هاي‌ عروسي‌ حركت‌ مي‌كنند يا حوادثي‌ كه‌ به‌ خاطر آتش‌ بازي، ترقّه‌ بازي‌ و نور افشاني‌ در برخي‌ از مجالس‌ شادي‌ صورت‌ مي‌گيرد.

ج‌ - ذلّت‌ و رسوايي‌

بعضي‌ از شادي‌ها به‌ جهت‌ همراه‌ بودن‌ با فساد و گناه، سرانجام‌ به‌ ذلّت‌ و رسوايي‌ شخص‌ مي‌انجامد. علي(ع) فرمود:

<من‌ تَلَذَّذَ بمعاصي‌ اللّه‌ اَورَثَهُ اللّه‌ ذُلاًّ > 23

كسي‌ كه‌ از گناهان‌ و معاصي، لذت‌ ببرد، خداوند او را ذليل‌ خواهد نمود.

د - هلاكت‌ و سقوط‌

يكي‌ از سنت‌هاي‌ الهي‌ اين‌ است‌ كه‌ هرگاه‌ جامعه‌اي‌ به‌ خوش‌گذراني، عيّاشي‌ و تن‌ پروري‌ روي‌ آورد، دير يا زود سقوط‌ خواهد كرد.

و در مقابل، جوامعي‌ كه‌ ميانه‌روي‌ در معاش، تلاش‌ و صرفه‌ جويي‌ در زندگي‌ را شعار خود قرار مي‌دهند، سربلند خواهند بود. دليل‌ اين‌ كه‌ ملت‌ خوش‌گذران‌ و عياش، سرانجام‌ سقوط‌ خواهد كرد، اين‌ است‌ كه‌ چنين‌ ملتي‌ به‌ جاي‌ اين‌كه‌ در راه‌ بهبود و پركردن‌ شكاف‌ اجتماعي‌ تلاش‌ كند و همه‌ امكاناتش‌ را در راه‌ ساختن‌ اجتماعي‌ سربلند و مستقل‌ به‌ كار گيرد، در انديشهِ‌ به‌ دست‌ آوردن‌ غذاي‌ مطبوع، رنگين‌تر و ارضاي‌ هر چه‌ بيش‌تر غرايز و تمايلات‌ افراطي‌ است.

بديهي‌ است‌ كه‌ اين‌ گونه‌ سرگرمي‌ها از يك‌ سو، روح‌ تحريك‌ و تلاش‌ را در جامعه‌ مي‌ميراند و از سوي‌ ديگر، فساد اجتماعي‌ را دامن‌ مي‌زند. در نتيجه‌ جامعه‌ را به‌ سراشيبي‌ سقوط‌ مي‌كشاند.

آداب‌شادي‌

شادي‌شرايط‌و آدابي‌دارد كه‌در زير به‌برخي‌از آن‌ها اشاره‌مي‌شود.

الف. مجالس‌شادي‌نبايد همراه‌با گناه‌باشد؛

امام‌صادق(ع) فرمود:

< لا تسخطو الله‌برضا احدٍ من‌خلقه‌و لا تتقّربوا الي‌النّاس‌بتباعد من‌الله؛>

خداوند را به‌غضب‌در نياوريد به‌خاطر رضايت‌و خشنودي‌احدي‌از مردم‌و نزديك‌نشويد به‌مردم‌به‌وسيلهِ‌دوري‌از خدا.

و نيز فرمود:

<لا ينبغي‌للمؤ‌من‌ان‌يجلس‌مجلساً يُعصيَ اللّه‌فيه‌و لا يَقدِر علي‌تغييره>24

سزاوار نيست‌براي‌مؤ‌من‌در مجلسي‌بنشيند كه‌معصيت‌خدا در آن‌مي‌شود و نمي‌تواند جو مجلس‌را عوض‌كند.

و متأ‌سفانه، گاهي‌شادي‌ها آن‌چنان‌با گناه‌همراه‌است‌كه‌شادي‌با گناه‌مساوي‌مي‌شود.

ب. با اذيت‌و آزار همراه‌نباشد؛

يكي‌از شرايط‌شادي‌اين‌است‌كه‌با اذيت‌و آزار ديگران‌همراه‌نباشد، متأ‌سفانه‌امروز بسياري‌از شادي‌هاي‌ما با آزار ديگران‌همراه‌است. مانند: بلند كردن‌صداي‌موسيقي‌و آهنگ‌هاي‌مبتذل، مزاحمت‌هاي‌تلفني، انفجارهاي‌تفريحي‌در شب‌ها شادي‌و...

پيامبر(ص) فرمود:

<من‌آذي‌مؤ‌مناً فقد آذاني>.

كسي‌كه‌مؤ‌مني‌را آزار دهد مرا آزار داده‌است.

هشام‌بن‌سالم‌مي‌گويد: از امام‌صادق(ع) شنيدم‌كه‌مي‌فرمود:

خداوند مي‌فرمايد: <ليأ‌ذن‌بحرب‌منّي‌من‌اذي عبدي‌المؤ‌من>25

ج. لهو نباشد؛

در آيين‌اسلام، سرگرمي‌هاي‌زيانبار و همهِ‌عوامل‌بازدارنده‌از پيشرفت‌هاي‌معنوي، ممنوع‌است. <موسيقي‌و غنا>ي‌حرام، يكي‌از سرگرمي‌هاي‌زيان‌بار است‌كه‌آدمي‌را از توجه‌به‌خدا و آخرت‌ باز مي‌دارد. موسيقي، اثري‌هم‌چون‌الكل‌و افيون، در روح‌و روان‌انسان‌دارد؛ يعني‌با رخوتي‌كه‌در اعصاب‌ايجاد مي‌كند، موجب‌مي‌شود كه‌انسان‌موّقتاً از واقعيت‌هاي‌زندگي‌فاصله‌بگيرد، لذا امام‌خميني‌و مراجع‌ديگر نيز شنيدن‌و نواختن‌موسيقي‌را حرام‌مي‌دانند.26

نيز، آيه الله‌مكارم‌مي‌فرمايد:

استفاده‌از آهنگ‌هايي‌كه‌مناسب‌مجالس‌لهو و فساد است، حرام‌است‌و بين‌موسيقي‌سنّتي‌و نوين‌و فرح‌انگيز و غير آن‌فرقي‌نيست.27

د: ميانه‌روي‌در شادي؛‌

يكي‌از آداب‌شادي، تعادل‌و ميانه‌روي‌است؛ يعني‌آدمي‌نبايد مجسمه‌غم‌باشد و نه‌آن‌چنان‌بي‌درد كه‌فقط‌به‌فكر شادي‌خود باشد و به‌غم‌ديگران‌چشم‌ببندد. چنان‌چه‌حاكمان‌هوسران‌و پادشاهان‌خوش‌گذران، در دربار خود با استفاده‌از افرادي‌بي‌شخصيت‌به‌عنوان‌<دلقك، تلخك‌و مليجك> به‌تحقير و استهزاي‌ديگران‌مي‌پرداختند تا ساعاتي‌را در غفلت‌و بي‌خبري‌و شادي‌مستانه‌بگذرانند.

و امروز كم‌نيستند كساني‌كه‌فقط‌به‌شادي‌مي‌انديشند، حتي‌روزهايي‌كه‌شايسته‌است‌انسان‌محزون‌باشد. مانند: ايام‌محرّم‌و سوگواري‌شهادت‌معصومين‌و در مقابل، عده‌اي‌نيز فقط‌به‌دنبال‌غم‌و اندوه‌هستند، حتي‌در ايام‌شادي‌و اعياد مذهبي. آن‌ها فضاي‌جشن‌را غمگين‌مي‌سازند و مي‌گويند كه‌شيعه‌عيد ندارد، در حالي‌كه‌مجلس‌عزا جاي‌خود را دارد و مجلس‌شادي‌جاي‌خود را و دليلي‌ندارد كه‌ما شادي‌ها را تبديل‌به‌عزا كنيم‌و اين‌ذهنيت‌را در نسل‌جوان‌جامعه‌ايجاد كنيم‌كه‌<دين> مساوي‌است‌با غم‌و اندوه.

‌همراه‌با شادي‌هاي‌معصومين(ع)

لازمهِ‌محبت‌و دوستي‌اهل‌بيت(ع) و شيعه‌بودن‌اين‌است‌كه‌بايد در تمام‌ابعاد زندگي‌از امامان‌معصوم(ع) پيروي‌نمود؛ چه‌در مسايل‌اعتقادي، عبادي، سياسي‌و اجتماعي‌و چه‌در غم‌ها و شادي‌ها.

علي(ع) فرمود:

انظُرُوا اَهلَ بَيتِ نَبِيٍّكُم فَالزَمُوا سَمتَهُم وَ اتبِعُوا اَثَرَهُم فَلَن يُخرِجُوكُم مِن هُدًي‌وَ لَن يُعِيدُوكُم فِي رَدًي.28

توجه‌كنيد به‌اهل‌بيت‌پيامبر(ص) و در جهت‌و راه‌آن‌ها برويد و پيروي‌كنيد آثارشان‌را؛ چرا كه‌آنها شما را از راه‌هدايت‌خارج‌نمي‌سازند و در پستي‌نمي‌اندازند.

نخستين‌الگوهاي‌رفتار و حساسيت‌هاي‌انسان‌در دوران‌كودكي، پدر و مادرند، سپس‌معلمان‌و مربيان‌و همسالان، ولي‌آن‌چه‌مي‌تواند معيار حساسيت‌و رفتار براي‌همگان‌در همهِ‌زمان‌ها باشد، شيوهِ‌رفتار معصومين(ع) است.

امام‌رضا(ع) به‌<ريان‌بن‌شبيب> فرمود:

اِن سَركَ اَن تَكُونَ مَعَنا فِي‌الدرَجاتِ العُلي مِنَ الجَنانِ فَاحزَن لِحُزنِنا وافرَحَ لِفَرحِنا.29

اگر دوست‌داري‌در درجات‌عالي‌بهشت، همراه‌ما باشي، محزون‌باش‌به‌حزن‌ما و خوشحال‌باش‌براي‌شادي‌ما.

لازمهِ‌شاد بودن‌در شادي‌هاي‌اهل‌بيت(ع) به‌اين‌است‌كه‌در مناسبت‌هايي‌چون‌نيمه‌شعبان‌و ميلادهاي‌امامان(ع) مجالس‌شادي‌برگزار شود تا شادي‌هاي‌زندگي‌به‌شادي‌هاي‌معصومين(ع) پيوند بخورد. مانند: برگزاري‌مراسم‌عروسي، جشن‌ها، مهماني‌ها، خريد وسايل‌مورد نياز، هديه‌دادن‌و به‌ديدار يكديگر رفتن.

براي‌اين‌كه‌از مظاهر شادي‌و سرور معصومين(ع) پيروي‌نماييم، فهرستي‌از مظاهر شادي‌ايشان‌را بر مي‌شماريم.

بر خلاف‌سنّت‌هاي‌غلطي‌كه‌در ميان‌جوامع‌اسلامي‌رواج‌دارد و فكر مي‌كنند، در روزهاي‌شادي‌هر كاري‌را كه‌خواسته‌باشند، مي‌توانند انجام‌دهند و روزهاي‌شادي‌را روزهاي‌لهو و خوشگذراني‌مي‌دانند، امامان‌معصوم(ع) در چنين‌روزهايي، ضمن‌شادي‌و سرور، برنامه‌هاي‌داشتند كه‌از مجموع‌آن‌ها يك‌نكته‌استفاده‌مي‌شود و آن‌اين‌ است‌كه‌در روزهاي‌شادي‌نه‌تنها تكاليف‌شرعي‌نبايد تعطيل‌شود، بلكه‌تكليف‌و عبادت‌بيش‌از روزهاي‌ديگر است. اصولاً چنين‌روزها، روزهاي‌عبادت‌و بندگي‌است؛ نه‌روزهاي‌غفلت‌و بي‌خبري.

در اين‌جا به‌گوشه‌اي‌از برنامه‌هاي‌معصومين(ع) در روزهاي‌شادي، اشاره‌مي‌كنيم:

1- تكبير و تهليل‌گفتن‌

پيامبر‌اكرم(ص) فرمود:

<زَيّنُوا اَعيادَكُم بِالتّكبير>30

عيدهايتان‌را به‌اللّه‌اكبر گفتن‌زينت‌دهيد.

خود آن‌حضرت، هنگامي‌كه‌از خانه‌به‌سمت‌مصلّي‌بيرون‌ مي‌رفت‌از منزل‌تا مصلّي‌با صداي‌بلند <اللّه‌اكبر> و <لا اله‌الاّ اللّه> مي‌فرمود.31

2- پوشيدن‌لباس‌پاكيزه‌

از برخي‌روايات‌استفاده‌مي‌شود كه‌امامان‌معصوم(ع) در زمان‌هاي‌خاصّي‌چون‌عيد غدير و بعضي‌از اعياد اسلامي، در لباس‌و پوشش‌خود تغييري‌ايجاد و لباس‌شادي‌بر تن‌مي‌كردند.

امام‌صادق(ع) فرمود:

<لازم‌است‌شخص‌مؤ‌من‌در روز غدير، پاكيزه‌ترين‌و مناسب‌ترين‌لباس‌خود را بپوشد>.32

امام‌رضا(ع) دربارهِ‌روز عيد غدير فرمود:

يَومَ لَبس‌الثياب‌وَ نَزع‌السَّواد.33

اين‌روز، روز كندن‌لباس‌سياه‌و پوشيدن‌لباس‌مناسب‌است.

اين‌شيوه‌دربارهِ‌نهم‌ربيع‌نيز نقل‌شده‌است‌و درباره‌عيد نوروز، معلّي‌بن‌خنيس‌از امام‌صادق(ع) نقل‌كرد كه‌فرمود:

اِذَا كانَ يَومَ النٍّيرُوزِ فَاغتَسِل‌وَا‌لبِس ا‌نظَفَ ثِيابِكَ وَ تَطَيب بِاَطيَبِ طيبك‌وَ تَكُونَ ذلِكَ اليَومَ صائِماً34

هنگامي‌كه‌عيد نوروز فرا رسيد، غسل‌كن‌و پاكيزه‌ترين‌لباس‌هايت‌را بر تن‌كن‌و به‌خوشبوترين‌عطر خود را معطر كن‌و در اين‌روز، روزه‌داشته‌باش.

3- تبسّم‌و لبخند؛

امام‌رضا(ع) فرمود:

روز غدير، روز تبّسم‌بر مؤ‌منان‌است. كسي‌كه‌در اين‌روز به‌روي‌مؤ‌من، تبسم‌كند، خداوند در روز قيامت‌نظر رحمت‌بر او مي‌افكند.35

4- تبريك‌و تهنيت‌گفتن؛

تبريك‌و تهنيت‌گفتن‌از برجسته‌ترين‌آداب‌هر عيدي‌است‌و در اسلام‌نيز سنّت‌تبريك‌و تهنيت‌در مناسبت‌هايي‌مانند عيد غدير، جايگاه‌ويژه‌اي‌دارد.

پيامبر اكرم(ص) بر تبريك‌گفتن‌در چنين‌روزي، تأ‌كيد مي‌كرد و به‌مردم‌مي‌فرمود:

<هَنئُوني؛ مرا تبريك‌بگوييد! مرا تبريك‌بگوييد>.36

5- شادي‌كردن؛

علي(ع) فرمود:

واظهِرُوا السُّرورَ في مُلا قاتِكُم.

در برخوردهايتان، شادي‌را آشكار كنيد.37

امام‌صادق(ع) فرمود:

<روز غدير، روز خوشحالي‌و شادي‌است>.38

6- دعا و روزه؛

<شيخ‌طوسي> روايت‌كرده‌است‌كه‌توقيعي‌به‌دست‌قاسم‌بن‌علاي‌همداني‌وكيل‌امام‌حسن‌عسكري(ع) رسيد، مبني‌بر اين‌كه‌روز سوم‌شعبان، سال‌روز ولادت‌امام‌حسين(ع)، روزه‌بدارد و اين‌دعا را بخواند:

<اَلّلهُم اِنّي‌اَسئَلُكَ بِحَقِ المَولُودِ في هذا اليَوم...> 39

و نيز در دهم‌رجب، سالروز تولد امام‌جواد(ع)، به‌دعاي‌مخصوصي‌سفارش‌شده‌است.40

7- نماز؛

از ديگر اعمال‌اعياد اسلامي، نماز و عبادت‌است؛ در روز جمعه، نماز جمعه‌و در عيد فطر و قربان، نماز مخصوص‌عيد و در عيد غدير نماز مخصوص‌سفارش‌شده‌است... .41

8- عطر زدن‌

از جمله‌سنّت‌هاي‌پسنديده‌كه‌هميشه‌مطلوب‌است، به‌ويژه‌در روزهاي‌عيد و شادي، <عطر زدن> است. امام‌صادق(ع) فرمود:

كان‌رَسُولُ اللّه(ص) يُنفِقُ فِي‌الطّيبِ اكثَر مِمَا يُنفِقُ فِي‌الطعامِ.42

پيامبر(ص) براي‌عطر بيش‌از طعام، بها مي‌داد و بيش‌تر پولش‌را خرج‌آن‌مي‌كرد.

امام‌صادق‌(ع) فرمود:

تَطَيب بِاَطيَبِ طيبك.43

با خوشبوترين‌و بهترين‌عطرها خود را معطر كن.

ام‌سلمه‌مي‌گويد:

در شب‌عروسي‌حضرت‌زهرا(س) به‌فاطمه(س) عرض‌كردم‌آيا نزد شما بوي‌خوشي‌يافت‌مي‌شود كه‌براي‌خود ذخيره‌كرده‌باشي؟ حضرت‌فرمود: آري، سپس‌شيشهِ‌عطري‌را آورد و مقداري‌از آن‌را به‌كف‌دستم‌ريخت، آن‌چنان‌بوي‌خوش‌داشت‌كه‌هرگز نظيرش‌را نيافته‌بودم.44

9- اطعام‌طعام؛‌

فياض‌بن‌محمد طوسي‌مي‌گويد:

در يكي‌از سال‌ها روز عيد غدير به‌حضور امام‌رضا(ع) شرفياب‌شدم، ديدم‌گروهي‌در خدمت‌حضرت‌هستند. حضرت‌آنان‌را براي‌افطار در خانه‌اش‌نگه‌داشت‌و به‌خانه‌هاي‌آنان‌نيز طعام، لباس، انگشتر و كفش‌فرستاد.45

<مرحوم‌علّامهِ‌مجلسي> مي‌نويسد:

در يكي‌از سال‌ها كه‌روز عيد غدير مصادف‌شده‌بود با روز جمعه‌حضرت‌علي(ع) بعد از نماز جمعه‌با فرزندان‌و گروهي‌از شيعيان‌به‌منزل‌امام‌حسن(ع) جهت‌اطعامي‌كه‌حضرت‌بدين‌مناسبت‌برايشان‌تدارك‌ديده‌بود، رفتند.46

10- انفاق‌و كمك‌به‌فقراء؛

يكي‌از برنامه‌هاي‌اعياد اسلامي، كمك‌و دستگيري‌از فقراء و نيازمندان‌است، مثلاً در عيد فطر، زكات‌فطره‌و در عيد قربان، گوشت‌قرباني‌و در ساير اعياد نيز صدقه‌سفارش‌شده‌است.

امام‌علي(ع) فرمود:

وَ اَدُّو فِطرَتكُم‌فَاِنهَا سُنه نِبِيٍّكُم وَ فَريضَه واجِبَه مِن رَبّكُم47

زكات‌فطرهِ‌خود را بپردازيد؛ زيرا زكات‌فطره‌سنّت‌پيامبر و فريضهِ‌واجب‌الهي‌است.

11- زينت‌كردن؛

علاّ مهِ‌طباطبايي(ره) در ذيل‌آيهِ‌<خُذُوا زينَتَكُم عِندَ كُلٍّ مَسجِدٍ...>48، مي‌فرمايد:

زينت‌براي‌مسجد، زينت‌و زيبايي‌است‌كه‌به‌هنگام‌حضور در مسجد مناسب‌است‌انجام‌شود كه‌به‌طور طبيعي‌ابتدا براي‌نماز و طواف‌است‌و از اطلاق‌آيه‌استفاده‌مي‌شود كه‌در همهِ‌نمازهاي‌عيد و جماعت‌هاي‌روزانه‌و ديگر عبادت‌ها، مناسب‌و مطلوب‌است49.

12- تغيير ذائقه‌و تنوّع؛

يكي‌از نمونه‌هاي‌مظاهر شادي‌معصومان(ع)، ايجاد تنوع‌در غذا و ميوه‌است. از پيامبر(ص) نقل‌شده‌كه‌فرمودند:

اِطرفُوا اَهاليكُم‌في كُلٍّ جُمعهٍ بشيء مِنَ الفاكِهَه وَاللحم‌حَتي يَفرحوا بالجُمعه.50

براي‌خانواده‌هايتان‌در هر جمعه، مقداري‌ميوه‌و گوشت‌خريداري‌نماييد تا با خوردن‌ميوه‌و غذاهاي‌خوشمزه‌در روز جمعه‌خوشحال‌شوند>.

13- صله‌دادن؛

از سنّت‌هاي‌معصومان‌در روزهاي‌شادي‌و سرور، صله‌و هديه‌دادن‌است. در اين‌جا به‌چند نمونه‌از آن‌ها اشاره‌مي‌شود:

الف. صله‌امام‌رضا(ع) در زمان‌ولايت‌عهدي؛‌

در جريان‌ولايت‌عهدي‌امام‌رضا(ع) شاعران‌هر كدام‌به‌نوبهِ‌خود، اظهار وجد و سرور مي‌نمودند و اشعاري‌را كه‌در منقبت‌امام‌رضا(ع) سروده‌بودند، در مجلس‌مي‌خواندند. ابونواس‌خود را به‌امام‌رضا(ع) رسانيد و سلام‌كرد و پاسخ‌شنيد و عرض‌كرد: يابن‌رسول‌اللّه(ص) چند بيتي‌سروده‌ام‌و دوست‌دارم‌كه‌آنها را از من‌بشنويد. امام‌اجازه‌داد. ابونواس‌شروع‌به‌خواندن‌اشعار خود كرد كه‌سه‌بيت‌آن‌اين‌گونه‌است:

مُطَهرُونَ نَقٍّيلاتُّ ثِيابُهُم‌ تُتلَي‌الصلوه عَلَيهِم‌اَينَما ذُكِرُوا

مَن لَم تَكُن‌عَلَوِيا حينَ تَنسِبُه فَعالَهُ في قَديمِ الدهرِ مُفتَخِرٌ

فَاءَنتُمُ المَلاءُ الاعلي وَ عِندَكُم ‌عِلمُ الكِتابِ وَ ما جائَت بِهِ السُّوَر.ُ 51

آنها هستند پاكان‌و پاك‌دامناني‌كه‌هر جا نام‌ايشان‌برده‌شود، درود و سلام‌بر آن‌ها فرستاده‌مي‌شود.

كسي‌را كه‌نسبت‌به‌كسي‌مي‌دهند، اگر علوي‌نباشد، براي‌او در اين‌روزگار افتخاري‌نيست.

شما هستيد آن‌گروه‌بلند پايه‌و علم‌كتاب‌و آن‌چه‌در سوره‌هاي‌قرآن‌آمده‌است، نزد شماست.

امام‌به‌او فرمود: <شعري‌دربارهِ‌آنان‌گفته‌اي‌كه‌تاكنون‌هيچ‌كس‌نگفته‌است>. آن‌گاه‌به‌غلام‌خود رو نمود و فرمود: <آيا نزد تو از مخارج‌چيزي‌مانده‌است؟>

عرض‌كرد: بلي، سيصد دينار.

حضرت‌فرمود:

<آن‌را به‌ابونواس‌بده‌و شايد او اين‌مبلغ‌را كم‌بشمارد؛ لذا اين‌اسب‌را هم‌براي‌او بفرست>.

ب. مرحوم‌شيخ‌مفيد مي‌نويسد:

<از جمله‌شاعراني‌كه‌بر آن‌حضرت‌وارد شدند، دعبل‌بن‌علي‌خزاعي‌شاعر معروف‌اهل‌بيت‌بود و چون‌بر آن‌حضرت‌وارد شد، عرض‌كرد: اي‌پسر پيامبر! من‌قصيده‌اي‌گفته‌ام‌و با خود عهد كرده‌ام‌كه‌پيش‌از اين‌كه‌براي‌شما بخوانم، براي‌ديگري‌آن‌را نخوانم، حضرت‌به‌او دستور داد بنشيند تا اين‌كه‌مجلس‌خلوت‌شود، آن‌گاه‌فرمود:

<قصيده‌ات‌را بخوان>. پس‌قصيده‌اي‌را ايراد كرد كه‌بيت‌اول‌آن‌چنين‌است:

مَدارِسُ آياتٍ خَلَت مِن تَلا وَه ٍپ وَ مَنزِلُ وَحيٍ مُقَفرُ العَرَصاتِ

اَري فِيئُهُم‌في غَيرِهم مُقتَسِماً وَ اَيديهِم‌مِن فِيئهِم‌صَفَراتٍ

مدرسه‌هاي‌آيات‌قرآني، از تلاوت‌قرآن‌خالي‌مانده‌و خانهَ وحي‌الهي‌از سكنه‌خالي‌شده‌است.

مي‌بينيم‌مال‌اختصاصي‌فرزندان‌رسول‌خدا در بين‌مخالفان‌تقسيم‌شده‌و عزيزان‌پيامبر(ص) دستشان‌از اموالشان‌خالي‌است.

دعبل‌چون‌از خواندن‌اشعار خود فارغ‌شد، حضرت‌برخاست‌و سپس‌به‌وسيلهِ‌خادم‌خود، ششصد دينار فرستاد و از كمي‌آن‌عذر خواست.52

ج. صلهِ‌امام‌سجاد(ع)؛

در زمان‌خلافت‌عبد الملك‌مروان، سالي‌پسرش‌هشام‌به‌حجّ رفت. در حال‌طواف، به‌حجر الا‌سود رسيد و خواست‌استلام‌حجر كند، ولي‌از كثرت‌جمعيت‌نتوانست‌و كسي‌هم‌به‌او اعتنايي‌نكرد. در اين‌ هنگام، امام‌سجّاد(ع) در حالي‌كه‌طواف‌مي‌كرد به‌حجر الا‌سود رسيد، مردم‌به‌ديدن‌شكوه‌و جلالت‌آن‌حضرت، از حجر الا‌سود دور شدند تا آن‌حضرت‌استلام‌كند. هشام‌از ملاحظهِ‌اين‌صحنه‌غضبناك‌شد. مردي‌از اهل‌شام‌چون‌اين‌عظمت‌و جلالت‌را مشاهده‌كرد، از هشام‌پرسيد: اين‌شخص‌كيست‌كه‌مردم‌به‌او اين‌چنين‌احترام‌مي‌گذارند؟ هشام‌براي‌اين‌كه‌اهل‌شام‌آن‌جناب‌را نشناسند، گفت‌من‌او را نمي‌شناسم!!

فرزدق‌شاعر كه‌در آن‌جا حاضر بود، گفت‌من‌او را خوب‌مي‌شناسم.

مرد شامي‌گفت: يا ابا فراس! او كيست؟ فرزدق‌گفت:

هذا الّذي تَعرِف‌البَطحاهُ وُطاءُتَهُ وَالبَيتُ يَعرِفُهُ وَالحِلُّ وَالحَرَمُ

هذَا النَقي‌التَقيُ الطّاهر العَلَم‌ اِذا رَاءَتهُ قُريشٌ قالَ قائِلُها

هذا ابنُ خَيرِ عِبادِ اللّهِ كُلُّهُم ‌اِلي‌مَكارِم‌هذا يَنتَهِي‌الكَرَمُ...

اين‌كسي‌است‌كه‌مكه، گام‌هايش‌را مي‌شناسد، خانهِ‌خدا و حلّ و حرم‌او را مي‌شناسد.

اين‌شخصيت، مظهر تقوا، پاكي‌و سرشناس‌است، هر زماني‌كه‌قريش‌او را بينند، مي‌گويند:

اين‌فرزند بهترين‌بندگان‌خداست. ويژگي‌ها و نيكي‌هاي‌اخلاقي‌و بزرگواري‌او به‌نهايت‌خود مي‌رسد.

هشام‌خشمگين‌شد و دستور داد او را حبس‌كنند. وقتي‌ خبر به‌حضرت‌علي‌بي‌الحسين(ع) رسيد، حضرت‌دوازده‌هزار درهم‌براي‌فرزدق‌فرستاد و از او معذرت‌خواست‌كه‌اگر بيشتر مي‌داشتم، صلهِ‌بيشتري‌مي‌دادم. فرزدق‌آن‌مال‌را رد كرد و پيغام‌داد: من‌اين‌شعر را به‌خاطر صله‌نگفته‌ام، بلكه‌براي‌خدا و رسول(ص)گفتم. حضرت‌دوباره‌آن‌مال‌را براي‌او فرستاد و پيغام‌داد كه‌به‌حق‌من‌قبول‌كن‌و فرزدق‌قبول‌كرد.53

كميت‌بن‌زيد اسدي، شاعر شيعي‌زمان‌امام‌سجّاد و امام‌باقر(ع) چون‌قصيدهِ‌هاشميات‌را سرود، به‌بصره‌آمد و نزد فرزدق‌رفت‌و قصيده‌اش‌را خواند. فرزدق‌او را تحسين‌كرد و سپس‌به‌مدينه‌رفت‌و خدمت‌امام‌باقر(ع) شرفياب‌شد و اشعار خود را براي‌آن‌حضرت‌خواند. امام‌باقر(ع) فرمود:

اي‌كميت‌اگر نزد من‌مالي‌بود، تو را صله‌مي‌دادم، ولي‌از براي‌توست‌آن‌عبادتي‌كه‌رسول‌خدا(ص) به‌حسّان‌بن‌ثابت‌فرموده‌اند:

لا زلت‌مُؤ‌يداً بروح‌القُدُس‌ما ذَبيّتَ عَنّا اَهلَ البَيت.54

هميشه‌مؤ‌يّد باشي‌به‌روح‌القدس‌به‌جهت‌دفاع‌و حمايت‌از اهل‌بيت.

و در روايت‌ديگر آمده‌است‌كه‌صاعد مولاي‌كميت‌ گفت‌كه‌با كميت‌خدمت‌امام‌باقر(ع) رفتم‌و كميت‌قصيده‌اي‌را در مدح‌اهل‌بيت(ع) ايراد كرد. حضرت‌فرمود:

اَللهُمَ اغفِر لِلكُمِيت‌اَللهُمَ اِغفِر لِلكُميتِ؛

خدايا كميت‌را بيامرز خديا كميت‌را بيامرز. سپس‌هزار دينار و مقداري‌لباس‌به‌او بخشيد. كميت‌پول‌را نپذيرفت‌و جامه‌را به‌جهت‌تبرّك‌و تيمّن‌قبول‌كرد.55

ه . و در حالات‌حضرت‌موسي‌بن‌جعفر(ع) آمده‌است:

روز عيدي‌مردم‌به‌ديدن‌آن‌حضرت‌آمده‌و هدايايي‌آورده‌بودند. آخرين‌نفر آن‌ها پيرمرد فقيري‌بود كه‌پيش‌آمد و عرض‌كرد: من‌هديه‌اي‌ندارم‌جز بيست‌بيت‌شعر كه‌جدّم‌در مدح‌جدّت‌گفته‌است. پس‌آن‌اشعار را خواند، حضرت‌فرمود: <هديهِ‌تو را قبول‌كردم>. سپس‌تمام‌هدايايي‌كه‌براي‌او آورده‌بودند، به‌آن‌پيرمرد بخشيد. 56

14- وليمه؛

يكي‌از سنت‌هاي‌اسلامي‌در شادي‌ها، سنّت‌وليمه‌است. پيامبر اكرم(ص) فرمود:

<لا وَليمَه اِلّا فِي‌خَمسِ. في عُرسٍ اَو خُرسٍ اَو عِذارٍ اَو وكارٍ اَورِكاز>.57

وليمه‌و اطعام‌در پنج‌مورد بيش‌تر تأ‌كيد شده‌ است: 1. عروسي، 2. هنگام‌تولد نوزاد، 3. ختنهِ‌اولاد، 4. موقع‌خريد خانه، 5. در مراجعت‌از زيارت‌خانهِ‌خدا>.

پيامبر اكرم(ص) هنگام‌تزويج‌ميمونه‌دختر حارث، وليمه‌داد.58 حضرت‌علي(ع) براي‌عروسي‌حضرت‌زهرا(س) مهاجرين‌و انصار را دعوت‌كرد و آن‌ها را طعام‌و وليمه‌داد.59

15- توسعه‌زندگي؛

علي(ع) روز عيد غدير، خطاب‌به‌افرادي‌كه‌در مسجد كوفه‌حاضر بودند، فرمود:

خدا شما را رحمت‌كند! به‌خانه‌هايتان‌برويد و خانواده‌هاي‌خود را شاد نماييد.

امام‌رضا(ع) فرمود:

خداوند كسي‌را كه‌روز عيد غدير، بر عيال‌خود توسعه‌دهد، رحمت‌مي‌كند و او را از آتش‌دوزخ‌دور مي‌گرداند.60

16- همايش؛

گردهمايي‌يكي‌از اعمال‌و آداب‌روزهاي‌عيد است.

علي(ع) فرمود:

<وَاجمِعُوا يَجمَعِ اللّه‌شَملكم>

در روز عيد غدير گرد هم‌آييد تا خداوند امورتان‌را از نابسماني‌و پراكندگي‌برهاند.61

يكي‌از بزرگان‌مي‌فرمود:

صرف‌حضور در مجالس‌شادي‌معصومين‌نشاطي‌به‌انسان‌مي‌بخشد كه‌وصف‌كردني‌نيست.

17- هديه‌دادن؛

يكي‌از سنت‌هاي‌نيكو در اعياد اسلامي‌هديه‌دادن‌است. امام‌رضا(ع) فرمود:

اَفضِل‌علي‌اِخوانِك‌في هَذا اليَوم:

در اين‌روز (عيد غدير) بر برادرانت‌بخشش‌كن.62

18- نيكي‌و احسان؛

احسان‌و نيكي‌يكي‌ديگر از آداب‌اعياد اسلامي‌است.

علي(ع) فرمود:

به‌يكديگر نيكي‌كنيد كه‌خداوند ميان‌شما الفت‌پديدار سازد و نيكي‌در اين‌روز موجب‌افزايش‌مال‌و عمر مي‌شود.

امام‌صادق(ع) فرمود:

وَاكثِر برّهم:

در روز غدير به‌برادران‌ايماني‌ات‌بسيار نيكي‌كن63.

19- ديد و بازديد؛

ديد و بازديد، يكي‌از آداب‌روزهاي‌عيد و روزهاي‌شادي‌است. اين‌سنّت، مردم‌را شاداب‌تر و نام‌وياد عيد را در دل‌و ذهنشان‌ريشه‌دارتر مي‌كند و در روايات‌مورد توجه‌قرار گرفته‌است.64

در پايان‌اين‌بحث‌تذكر چند نكته‌لازم‌است:

1. هر گونه‌شادي‌كه‌از طرف‌مكتب‌و شرع، نهي‌نشده‌باشد، در مجالس‌شادي‌مباح‌است‌و هر ملّتي‌در هر زماني‌طبق‌آداب‌و رسوم‌خود شادي‌هايي‌دارند و مي‌توان‌آن‌شادي‌ها را برگزيد.

2. با توجه‌به‌اينكه‌مراسم‌هاي‌مذهبي‌به‌گونه‌اي‌با مكتب‌و اهلبيت‌پيوند دارد، بايد به‌شكلي‌باشد كه‌بتواند ضمن‌پديد آوردن‌شادي، فرهنگ‌آنان‌را ترويج‌نمود. چنان‌كه‌براي‌بزرگ‌داشت‌شخصيت‌هاي‌علمي‌و فرهنگي‌ملّت‌ها، ابعاد زندگي‌آنان‌مطرح‌مي‌شود؛ بر خلاف‌جشن‌تولد كودكان‌كه‌هدف‌از آن‌تنها شادي‌و نشاط‌است.

3. در زمينهِ‌جشن‌ها و يادبودها كتاب‌هايي‌نوشته‌شده‌است‌كه‌مي‌توان‌از ميان‌آن‌ها به‌كتاب‌هاي‌زير اشاره‌كرد:

المواسم‌و المراسم‌سيد جعفر مرتضي، نشر سازمان‌تبليغات؛ بزرگداشت‌ها در اسلا‌م محمد سپهري، سازمان تبليغات اسلا‌مي؛ كتاب‌شرع‌و شادي، ابوالفضل‌طريقه‌دار، نشر همسايه؛ كتاب‌غم‌و شادي، نشر صفحه‌نگار؛ زندگي‌شادي‌بخش، اكرم‌مقدم، نشر حضور؛ خنده‌شوخي‌شادكامي، احمد لقماني، نشر سابقون؛ حديث‌زندگي؛ شادي‌و نشاط‌شماره‌3 و اسلام‌و يادبودها، محمود شلتوت.

------------------

پي نوشت ها:

1. مجله‌پاسدار اسلام، ش‌111، اسفند 69.

2. تقويم‌نجومي، سال‌1370.

3. التفهيم‌لاوايل‌صناعه‌التنجيم، ص‌252.

4. <لغت‌نامه‌دهخدا، ذيل‌واژه‌برات>.

5. ده‌هزار رهل‌نان‌و ده‌هزار رهل‌گوشت، كمال‌الدين، ج‌2، ص‌105.

6. بحار الانوار، ج‌13، ص‌4 و در برخي‌از نقل‌ها آمده‌ است‌سيصد گوسفتند عقيقه‌كرد؛ كمال‌الدين، ج‌2، ص‌106؛ امام‌مهدي، علي‌محمد علي‌دخيل، ص‌47.

7. غيبت، شيخ‌طوسي، ص‌159؛ بحار الانوار، ج‌13، ص‌4.

8. زندگاني‌خاتم‌الاوصياء امام‌مهدي‌(عج)، باقر شريف‌قرشي، نشر فقاهت، ص‌32.

9. علي(ع): سرورُ المؤ‌من‌بطاعه‌ربّه، ميزان‌الحكه، ج‌4، ص‌437.

10. علي(ع): اَكثَرُ سُرُورِكَ عَلَي‌مَا قَدمَت مِن‌الخَيرِ، همان.

11. امام‌صادق‌(ع) السرورُ في‌ثَلاث‌خِصال‌الوَفاء و رِعايَه الحُقُوقِ و النُهُوضِ فِي‌الثَوائبِ، بحار الانوار، ج‌78، ص‌ 137.

12. ليس‌العيد لمن‌لنس‌الجديد انّما العيد لمن‌آمِنَ الوعيد، بحار الانوار، ج‌40، ص‌73.

13. شيعه‌در پيشگاه‌قرآن‌و اهل‌بيت، ص‌261.

14. زخرف، آيه‌47؛ مطففين، آيه‌29.

15. آل‌عمران، آيه‌188.

16. علي‌لا تفرح‌سقطَه غيرك‌فانك‌لا تدري‌ما يحدث‌بك‌الزمان، ميزان‌الحكمه، ج‌7، ص‌149.

17. علي(ع): التبَهُجُ بالمعاصي‌اَقبَح‌من‌ركوبها؛ شادي‌به‌گناه، زشت‌تر است‌از انجام‌آن، ميزان‌الحكمه، ج‌3، ص‌463.

18. و هذا يوم‌فرحت‌به‌آل‌زياد و آل‌مروان، زيارت‌عاشورا.

19. قصص، ص‌76.

20. مؤ‌من، آيه‌75.

21. تفسير نمونه، ج‌2، ص‌176.

22. ميزان‌الحكمه، ج‌7، ص‌726.

23. ميزان‌الحكمه، ج‌3، ص‌463.

24. همان، ص‌26، ح‌21512.

25. وسايل‌الشيعه، ج‌8، ص‌587.

26. استفتائات‌امام‌خميني، ج‌2، ص‌11، س‌25.

27. استفتائات‌جديد آيه‌الله‌مكارم، س‌144.

28. ميزان‌الحكمه، ج‌1، ص‌192- ابن‌ابي‌الحديد، شرح‌نهج‌البلاغه، ج‌7، ص76.

29. وسائل‌الشيعه، ج‌10، ص‌393، حديث‌5، عيون‌اخبار الرضا، ج‌1، ص‌299.

30. ميزان‌الحكمه، ج‌7، ص‌133.

31. همان، كنز العمال، ح 1801 و 18104 و‌24095.

32. ميرزا جواد آقا تبريزي، المراقبات، ص‌217؛ بحارالانوار 95، ص‌301.

33. بحار الانوار، ج‌98، ص‌354.

34. بحارالانوار، ج‌56، ص‌100 و 92؛ حدائق، ج‌13، ص‌38.

35. المراقبات، ص‌257.

36. الغدير، ج‌1، ص‌274.

37. الغدير، ج‌1، ص‌287.

38. همان، ص‌284.

39. منتهي‌الامال، ج‌1، ص‌281.

40. همان، ج‌2، ص‌226.

41. مفاتيح‌الجنان.

42. وسائل‌الشيعه، ج‌1، ص‌443.

43. بحار الانوار، ج‌56، ص‌10.

44. شيخ‌عباس‌قمي، بيت‌الاحزان، ترجمهِ‌محمد محمدي‌اشتهاردي‌، ص 58،‌چاپ‌انتشارات‌ناصر.

45. بحارالانوار، ج‌94، ص‌112، ح‌8.

46. همان، ج‌94، ص‌118.

47. وسائل‌الشيعه، سي‌جلدي، ج‌5، ص‌138.

48. زينت‌خود را در هر نمازي‌برگيريد.

49. الميزان، ج‌8، ص‌78، ذيل‌آيهِ‌131 از سورهِ‌اعراف.

50. سفينه‌البحار، ج‌1، ماده‌جمع.

51. مناقب‌آل‌ابي‌طالب، ج‌4، ص‌266-262.

52 . همان؛ منتهي‌الامال، ج‌1، ص‌476.

53. منتهي‌الامال، ج2، ص‌34( چاپ‌جاويدان).

54. منتهي‌الامال، ج‌1، ص‌477.

55. همان، 477.

56. منتهي‌الامال، ج‌2، ص‌34؛ در كتاب العذر، ج‌1، ص‌287، نمونه‌هاي‌زيادي‌در زمينه‌ي‌صله‌هاي‌معصومان‌و شخصيت‌ها نقل‌شده‌است.

57. وسايل‌الشيعه، ج‌14، ص‌65، ح‌5.

58. همان‌،ج‌3، ص‌65.

59. بحار الانوار، ج‌43، ص‌95.

60. سيد ابن‌طاووس، اقبال، ص‌75.

61. الغدير، ج‌1، ص‌284.

62. الغدير، ج‌1، ص‌287.

63. المراقبات، ص‌256.

64. المراقبات، ص‌257؛ ويژه‌نامه‌غدير، مجله‌كوثر، 2/1376.